

حامد عبداللهی

## دشمن‌شناسی قرآنی و تبار دشمنان

اشاره:

دشمن‌شناسی قرآنی با توجه به گستره اطلاعات حقیقی و شناخت‌دهی فراجهانی و نگاه آسمانی و فراگیر آن، دارای نکاتی بسیار ارزشمند است که می‌تواند انسان را در تجربه‌ها و آزمون و خطاهای خود یاری دهد. به دیگر سخن، انسان با تجربه و دانش خود، تنها بخشی کوچک از بایدها و نبایدهای زندگی خود را می‌شناسد، اما با مراجعه به وحی می‌تواند به ابعاد گسترده و لایه‌های پنهانی دست یابد که دانشی نسبت به آن نداشته است. شناخت دشمن و راهکارهای مقابله با آن، از جمله این دانستنی‌های وحیانی است که باید متواضعانه در مکتب قرآن زانو زد و آموخت و به کار بست.



## ورود آشکار قرآن به مبحث دشمن‌شناسی

گرچه قرآن کتاب هدایت مردمان است و خود بر این ادعا است؛ «هدی للناس»، اما آیاتی از قرآن کریم به صراحت به مسئله دشمن‌شناسی پرداخته و هشدارهای لازم را داده است. یک نمونه از این آیات را مرور می‌کنیم.

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ يَّحْسِبُونَ كُلَّ صِیْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنْتَی یُفْكَوْنُ (منافقون/۴)؛ هنگامی که آن‌ها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی چوب‌هایی خشک هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود، بر ضد خود می‌بندارند؛ آن‌ها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آن‌ها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟!

### ۱. دشمنان پدیدار

دشمن‌شناسی در مکاتب دیگر از زمانی آغاز می‌شود که گلوله‌ای شلیک می‌شود و انسانی تهاجم می‌کند. یا آن که قهر طبیعت و بلایای آن، به مثابه دشمن شناخته می‌شود. همچنین داستان‌پردازی درباره موجودات فضایی و احتمال حمله آن‌ها، از دیگر موارد دشمن‌شناسی یا دشمن‌بنداری است.

در مکتب قرآن، دشمن از پیش از خلقت بشر تا رستاخیز؛ یعنی گستره‌ای فراتر از تجربه و اندیشه انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. خدا در قرآن مجید از فرشتگان که از جنس لطیفی چون نور آفریده شده‌اند و کاری جز تسبیح خدا ندارند و وظایفی را به عهده دارند، نام برده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّتَنَسِيٍّ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (فاطر/۳۵)؛ ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمان‌ها و زمین،

گرچه قرآن کتاب هدایت مردمان است و خود بر این ادعا است؛ «هدی للناس»، اما آیاتی از قرآن کریم به صراحت به مسئله دشمن‌شناسی پرداخته و هشدارهای لازم را داده است.

که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه. او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید و او بر هر چیزی تواناست!

قرآن کریم همچنین از موجودات دیگری به نام جن نام می‌برد که از جنس آتش هستند و اختیارات بسیاری دارند:

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ (حجر/۲۷)؛ و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم!

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارِ الرَّحْمَنِ (الرحمن/۱۵)؛ و جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد!

وَإِنَّا مِنْآ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأَوْلَىٰكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (جن/۱۴)؛ و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند، راه راست را برگزیده است.

همچنین انسان‌ها که از گل آفریده شده‌اند: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (مؤمنون/۱۲)؛ و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم.

در این میان داستان خلقت آدم و سجده ملائکه و سریچی ابلیس، خود فصلی دیگر می‌طلبد، اما قرآن به نکته‌های ویژه‌ای اشاره دارد:

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (كهف/۵۰)؛ به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم:

«برای آدم سجده کنید!» آن‌ها همگی سجده کردند، جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد. آیا (با این حال)، او و فرزندان‌ش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آن‌ها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندان‌ش به جای اطاعت خدا)، چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!

دشمن‌شناسی قرآن از همین لحظه آغاز می‌شود و اصلی‌ترین دشمن و مهم‌ترین انگیزه‌های آن را به بشر می‌شناساند. شیطان در برابر نافرمانی و جهمی که در انتظار اوست، چنین می‌کند:

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص/۸۲)؛ گفت: به عزت سوگو، همه آنان را گمراه

خواهم کرد.

اینجاست که ریشه همه دشمنی‌ها می‌روید و فرزندان و لشکریان شیطان در برابر انسان و خدای انسان صف می‌کشند:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (فاطر/۶)؛ البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

خود انسان نیز بالقوه می‌تواند دشمن دیگر انسان‌ها باشد یا حتی دشمن خود و این دشمنی از وسوسه‌های نفس اماره سرچشمه می‌گیرد و وابستگی‌های دنیایی انسان را به این گمراهی می‌کشاند:

وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (یوسف/۵۳)؛ من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

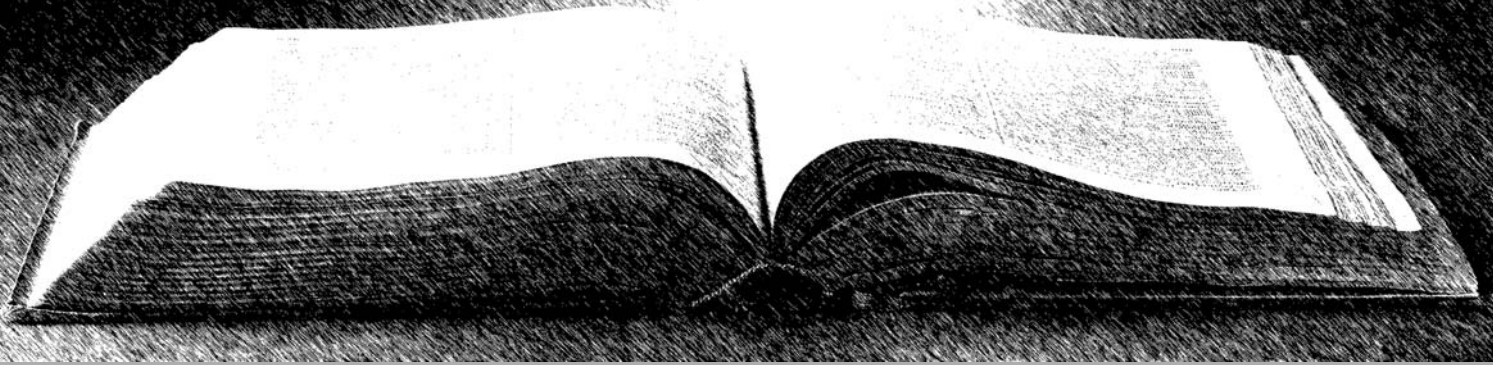
### ۲. دشمنان دینی و اعتقادی

قرآن کریم تنها به دشمنانی اشاره نمی‌کند که انگیزه‌های آفرینشی و آزمایشی برای دشمنی با انسان داشته باشند. گرچه وحی برای ترسیم زندگی سعادت‌مند دنیوی و آخرتی است و حیات طیبه یک مؤمن را تنظیم می‌کند، اما کتاب هدایت همه انسان‌ها است، اگر به سوی آن بیایند و ایمان بیاورند. دین و اعتقادات نیز از نگاه قرآن می‌تواند انگیزه دشمنی باشد. تنها دین مورد قبول نزد خدا اسلام است، گرچه پیروان دین آسمانی بخواهند در آن اختلافی ایجاد کنند (آل عمران/۱۹) و هر کس غیر از اسلام که آیین تسلیم شدن در برابر خدا است را بپذیرد، در قیامت از او پذیرفته نخواهد شد (آل عمران/۸۵) همان آیین مسلمانی ابراهیم (نحل/۱۲۳) که بر اساس فطرت تغییرناپذیر بشر استوار است (روم/۳۰).

پس اگر دین و اعتقاد یک فرقه باعث دشمنی شده؛ یا انحرافی در دین صورت گرفته و یا پیروان آن دین دچار گمراهی شده‌اند.

### الف: مشرکان

این دسته در آغاز خداپرست بوده‌اند، اما دچار تحریف شده و به بت‌پرستی روی آورده‌اند:



وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولُوا اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (عنكبوت / ۶۱)؛ و هر گاه از آنان پرسیدی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟»، می‌گویند: «الله!» پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟! إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (نساء / ۴۸)؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخوهد و شایسته بداند) می‌بخشد و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناهی بزرگ مرتکب شده است.

**ب: کفار**  
کافران دسته‌ای هستند از اهل کتاب که به بخشی از آموزه‌های آسمانی کفر می‌ورزند: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (آل عمران / ۷۰)؛ ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می‌شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می‌دهید؟! سرنوشت کفار این چنین است: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَرَاءُ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (بقره / ۱۶۱)؛ کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آن‌ها خواهد بود!

**ج: یهود**  
قوم یهود بیشترین دشمنی را با مؤمنان دارند و این دشمنی از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است که باید در جای خود بررسی

شود: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ... (مائده / ۸۲)؛ طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود خواهی یافت...  
**د: نصارا**

مسیحیان نیز در حد خود به دشمنی می‌پردازند: وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده / ۱۴)؛ و از کسانی که ادعای نصرایت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم و خداوند (در قیامت) آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت.

از همین روست که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مائده / ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود) انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

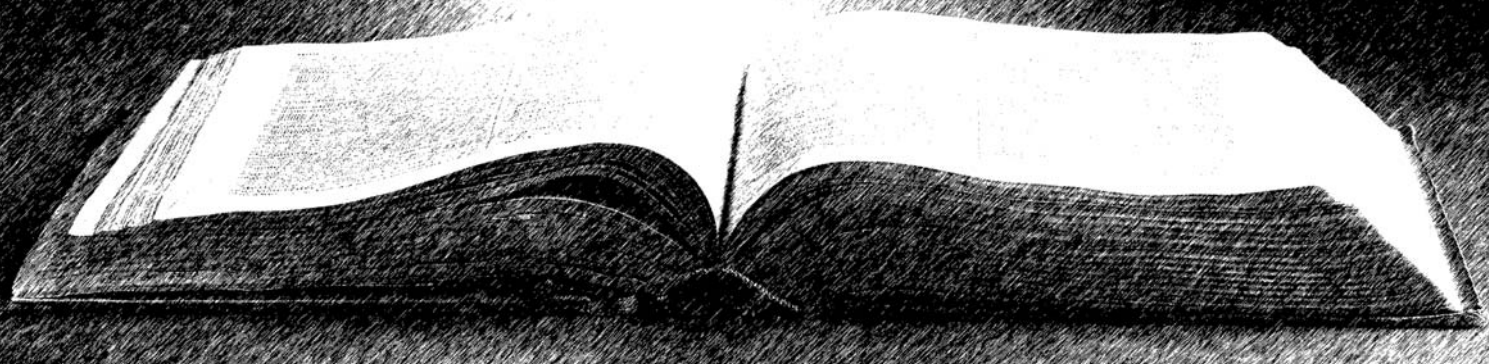
**چرا که:** وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبْعَثَ مَلَكًا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِيعَتَ

أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره / ۱۲۰)؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (به) طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، (و) از آیین (تحریف‌یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

**ه: منافقان**  
نفاق، جریانی مخوف و پنهان است که آیات بسیاری به آن پرداخته است. دشمنی منافقان به دلیل پنهان‌سازی و درونی بودن آن، خطرناک است: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (نساء / ۱۴۵)؛ منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یساروری برای آن‌ها نخواهی یافت! (بنابراین، از طرح دوستی با دشمنان خدا که نشانه نفاق است، بپرهیزید!)

دشمن‌شناسی در مکاتب دیگر از زمانی آغاز می‌شود که گلوله‌ای شلیک می‌شود و انسانی تهاجم می‌کند. یا آن که قهر طبیعت و بلاهای آن، به مثابه دشمن شناخته می‌شود. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود) انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.





### جمع‌بندی دشمنان

فرشتگان کاری جز تسبیح و اداره اموری که به آن‌ها سپرده شده ندارند و البته وظیفه برخی از آن‌ها ثبت اعمال انسان‌ها است:

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ... وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (ق/۱۸ و ۲۳)؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است! ... و فرشته همنشین او می‌گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!»

جنیان نیز برخی ایمان آورده و برخی کافرند و دشمن انسان‌ها هستند:

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ... (انعام/۱۲۸)؛ در آن روز که (خدا) همه آن‌ها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسان‌ها را گمراه ساختید!

گرچه آن‌ها قدرت زیادی ندارند به جز

وسوسه کردن: وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (جن/۱۲)؛ و اینکه ما یقین داریم هرگز نمی‌توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی‌توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم!

نفاق، جریانی مخوف و پنهان است که آیات بسیاری به آن پرداخته است. دشمنی منافقان به دلیل پنهانی و درونی بودن آن، خطرناک است.

و اگر گمراهی نیز صورت می‌گیرد، از سوی کسانی است که در طلب گمراهی بوده‌اند:

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (جن/۶)؛ و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند و آن‌ها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند! و البته برای هر انسان، شیطانی گمارده شده است:

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَيْتَهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ... قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (ق/۲۷ و ۲۸)؛ و همنشینش (از شیاطین) می‌گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان و انداختنم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (خداوند) می‌گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من پیشتر به شما هشدار داده‌ام (و اتمام حجت کرده‌ام)!

مشرکان نیز که در پرستش برای خدا شریک قائل می‌شوند، در همه زمان‌ها بت‌هایی برای پرستش دارند؛ الهه‌ها و رب‌النوع‌ها و ثروت و قدرت و شهرت را می‌پرستند:

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (قصص/۶۲)؛ روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌گوید: «کجا هستند همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!»

کافران هم از آن‌جا که نشانه‌های هدایت الهی همیشه هست، بدان کفر می‌ورزند و هنوز دشمنی می‌کنند و سرانجامشان آتش

است: أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (ق/۲۴)؛ (خداوند

فرمان می‌دهد): هر کافر متکبر لجوج را در جهنم افکنید!

اما یهود و نصارا داستان دیگری دارند. یهودیان ایمان راستینی به حضرت موسی نداشتند و بهانه‌جو بودند:

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمْسِرُونَ (مائده/۳۲)؛ به همین جهت، بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی‌اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آن‌ها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند.

ولادت و بعثت حضرت عیسی (ع) مورد انکار یهودیان قرار گرفت و توطئه برای تحریف دین مسیحیت و قتل پیامبر خدا بالا گرفت. از این رو مسیحیان، یهودیان را دشمن داشتند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ... (بقره/۱۱۳)؛ یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند» و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)» در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می‌خوانند...

این عداوت تا بعثت نبی اکرم (ص) نیز ادامه یافت و به انکار قرآن انجامید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَيَّ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (مائده/۶۸)؛ ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید؛ ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آن‌ها نمی‌گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آن‌ها می‌افزاید. بنابراین، از این قوم کافر، (و مخالفت آن‌ها) غمگین مباش! البته دشمنی یهود و نصارا تاکنون ادامه یافته و پایان نمی‌پذیرد، از این روست که قرآن حکیم از دشمنی آنان بسیار سخن گفته است: وَمَنْ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده/۱۴)؛ و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکنیدیم و خداوند (در قیامت) آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت. وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُفَقِّهِمْ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَاللَّيْنُ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (مائده/۶۴)؛ و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دست‌هایشان بسته باد! و به خاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می‌بخشد! ولی این آیات که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آن‌ها می‌افزاید و ما در میان آن‌ها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنیدیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. جریان نفاق از دیگر دشمنی‌ها جداست؛

چرا که همه دشمنان و حتی شیطان، دشمنی آشکار دارند: إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا (اسراء/۵۳)؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! نفاق همواره در لباس خودی جلوه می‌کند و گاه در عبادات و امور، بهتر و کامل‌تر از مؤمنان چهره می‌سازد: وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء/۳۸)؛ و آن‌ها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آن‌هاست)؛ و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (انفال/۴۷)؛ و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به (سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازمی‌داشتند؛ (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می‌کنند، احاطه (و آگاهی) دارد! آن‌ها حتی مسجد نیز می‌سازند: وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَوَ اللَّهِ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (توبه/۱۰۷)؛ کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند! نکته جالب در جریان نفاق، تأکید بسیار قرآن بر این گروه است که از سویی نشانه ادامه این جریان در جامعه اسلامی است و از سوی دیگر، خبر از حضور منافقان در لباس مسلمانان و صحابی است. نکته دیگر یک پرسش تاریخی است که این جریان پر رمز و راز، پس از پیامبر به چه کاری مشغول بود و چرا جامعه تا مدتی به ظاهر آرام شد،

اما با آغاز خلافت امیرالمؤمنین (ع)، باز هم عداوت‌ها آغاز شد و حتی صحابی پیامبر رو در روی هم ایستادند؟! تبار انحراف  
با نگاه به جریان نفاق و نیز تیره یهودی دشمنان اسلام، به ارتباطات گسترده و پنهانی پی می‌بریم که قرآن از آن خبر داده و هشدارهای جدی نسبت به آن داده است. قرآن مؤمنان را از دوستی و سرسپردگی با دشمنان کافر و اهل کتاب و نیز منافقان پرهیز می‌دهد:

مشركان نیز كه در پرستش برای خدا شريك قائل می‌شوند، در همه زمان‌ها بت‌هایی برای پرستش دارند؛ الهه‌ها و رب‌النوع‌ها و ثروت و قدرت و شهرت را می‌پرستند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا لَكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (نساء/۱۴۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل)، دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! و نیز:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مائده/۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصارا را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود)، انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

اما رفتار منافقان که در لباس مؤمنان و در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر این آموزه است:

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا . الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَتُهُمْ أَلْيَتُهُمْ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء/۱۳۸ و ۱۳۹)؛ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آن‌هاست! همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟! دورویی و بی‌اعتقادی در قلب، به آن چه

نکته جالب در جریان نفاق، تأکید بسیار قرآن بر این گروه است که از سوی نشانه ادامه این جریان در جامعه اسلامی است و از سوی دیگر، خبر از حضور منافقان در لباس مسلمانان و صحابی است.

در زبان جاری است و کفر درونی و ایمان ظاهری، از ویژگی‌های منافقان است. از این روست که منافقان همان غیرخودی‌های جامعه اسلامی هستند که در جبهه دشمن قرار می‌گیرند:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ يَسْتَحِذُوا عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/۱۴۱)؛ منافقان همان‌ها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند. اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!). خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

قرآن به آشکارا پرده از چهره نفاق برکنده و همراهی با دشمن از درون را برملا می‌کند، اما در همین حال وضعیت منافقان را نیز روشن می‌سازد:

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أَخْرَجْتُمُنَا لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُظِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . لَئِنْ أَخْرَجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَيْنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ . لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنْ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (احسر ۱۱ تا ۱۳)؛ آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می‌گفتند: «هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما بیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند

شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغ‌گویانند! اگر آن‌ها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند و اگر با آن‌ها بیکار شود، یاریشان نخواهند کرد و اگر یاریشان کنند، پشت به میدان کرده فرار می‌کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند! وحشت از شما در دل‌های آن‌ها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آن‌ها گروهی نادانند!

این در حالی است که قرآن حتی رابطه پنهانی با دشمنان را مد نظر قرار داده و نسبت به آن هشدار داده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه / ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آن‌ها به آنچه از حق برای شما آمده، کافر شده‌اند و رسول‌الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست، از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند. اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودی‌ام هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آن‌ها رابطه دوستی برقرار می‌کنید، در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید، از همه داناتم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است!

بنابراین می‌توان به خوبی فهمید جریان نفاق و جریان کفر، یک همدستی آشکار و گاه پنهانی دارند که نمونه‌های آن در تاریخ بسیار است. بغض کافران بنی اسرائیلی نسبت به حضرت مسیح و توطئه قتل او و تحریف دین خدا تا حضور در شبه جزیره حجاز و هم‌پیمانی با مشرکان و منافقان در صدر اسلام، نمونه بارزی از این رفتار است. امروز به راحتی می‌توان خط دشمنی این گروه‌ها را شناسایی کرد، آن‌جا که حتی تحریفات خود را در منابع دینی هم نفوذ داده‌اند و ما امروز با روایاتی به نام اسرائیلیات مواجه هستیم. نیکو است از هشدارهای قرآن پند بگیریم.

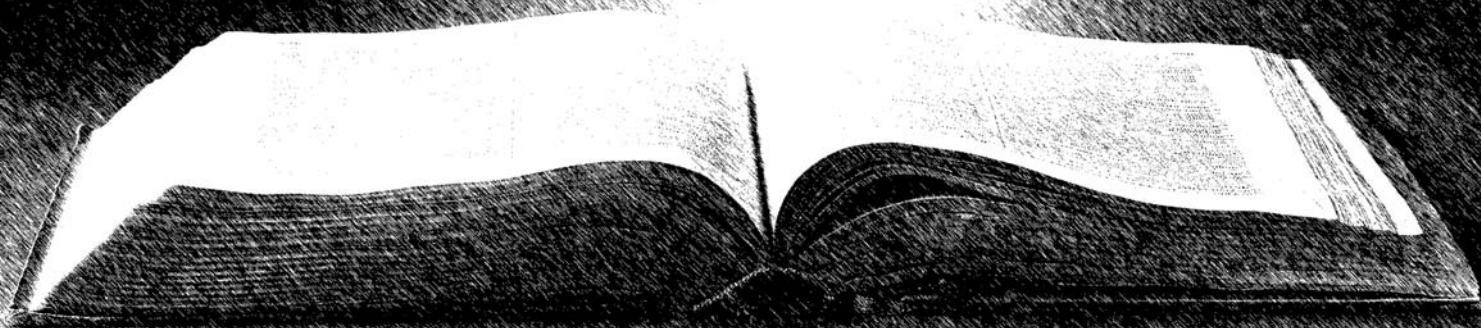
دست‌کم دو دسته اسرائیلی و منافقان، برای مطالعه تاریخی باید مورد توجه قرار بگیرند. باید توجه داشت چنین دشمنانی که از درون و بیرون با انگیزه‌های قوی و قدیمی، همواره در حال توطئه علیه جامعه اسلامی و ایمانی بوده‌اند، امروز نیز دست از نقشه‌های خود برنداشته‌اند، به ویژه که قرآن درباره آینده قوم یهود - همان‌طور که پیش از این در آیه ۶۴ سوره مائده آمد - پیش‌بینی کرده که دائم در حال فساد روی زمین خواهند بود.

فساد بنی اسرائیل تنها این نیست که بخشی از سرزمین اسلامی و قبله اول مسلمانان را غصب کرده‌اند؛ نقشه‌های اسلام‌ستیزانه یهودیان و هم‌پیمانی با غرب از سوی و نفوذ در جامعه مسلمانان از سوی دیگر، داستان عبرت‌انگیزی است. تشکیل گروه‌های فراماسونی و پنهان، فرقه‌سازی‌های شگفت‌انگیزی چون: بهائیت، وهابیت، تصوف جدید، شیطان‌پرستی و اخیراً کابالا که نقطه تلفیق شیطان‌گرایی، رسانه یهودی هالیوودی و فرقه‌سازی است.

این‌جا است که باید هشیارتر بود و به نقشه‌های آخرالزمانی اسرائیل و پیوند آن با مسیحیت افراطی با نام صهیونیستی اندیشید و جنگ‌های صلیبی نوین را با نظر داشت این انگیزه‌های کهن و شیطانی تحلیل کرد.

دشمنی یهود با قرآن که افشاکنده هویت صهیونیسم است و جهان اسلام که قومی پس از یهودیان و نصرانیان هستند و دین اسلام که دین توحیدی ابراهیمی و غالب بر جهان خواهد بود، باعث شده این تیره لجوج و عنود که با حضرت موسی (ع) نیز مدارا نکردند، به هر وسیله‌ای چنگ بزنند و فسادانگیزی کنند. این ابزارها ممکن است مالی و نظامی و رسانه‌ای باشد و ممکن است ماورائی و شیطانی باشد که در تاریخ نیز سابقه دارد:

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنْ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرُّوا



از طرف خداوند، کتابی برای آن‌ها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند). با این همه، هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آن‌ها آمد، به او کافر شدند. لعنت خدا بر

کافران باد!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (مائده/۱۵)؛ ای اهل کتاب! پیامبر ما که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد و از بسیاری از آن، (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست)، صرف‌نظر می‌نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَأْتُمْ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (انعام/۹۱)؛ آن‌ها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! اما کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود، شما آن را به صورت پراکنده قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار و قسمت زیادی را پنهان

فراماسوزی بودند، با نام باشگاه آتش جهنم در لندن تأسیس کردند و علت حمایت آنان از این گروه، جلب سود از فروش مشروبات الکلی بود. امروزه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مشروبات در جهان، ساموئل برنمن، یک یهودی مهاجر است. روحیلد مؤسس بزرگترین امپراتوری قمار در دنیا و قاچاقچی مشروبات و مواد مخدر، یک یهودی و حامی این گروه است و اولین بنیانگذار شیطان پرستی نوین، آنتوان شزاندرا لای، مؤسس کلیسای شیطان هم یک یهودی است.»

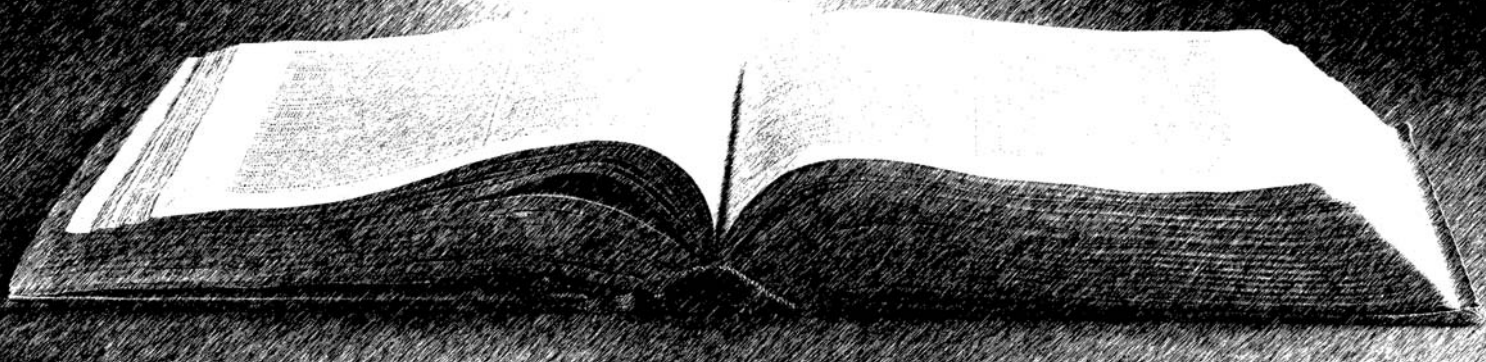
درویزی و بی‌اعتقادی در قلب، به آن چه در زبان جاری است و کفر درونی و ایمان ظاهری، از ویژگی‌های منافقان است. از این روست که منافقان همان غیرخودی‌های جامعه اسلامی هستند که در جبهه دشمن قرار می‌گیرند.

باز هم به قرآن برگردیم؛ آینده‌پژوهی، بخشی از آموزه‌های دینی است و خدا وعده‌هایی را نسبت به آینده داده و همواره بشارت پیامبران در آیین گذشتگان وجود داشته است. از همین رو، اهل کتاب از بعثت پیامبر خدا (ص) خبر داشتند تا جایی که نوید چنین روزهایی را پیش از آن می‌دادند، اما رویکرد آنان پس از بعثت، دگرگون شد:

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (بقره/۸۹)؛ و هنگامی که

به آن‌فُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (بقره/۱۰۲)؛ و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند، پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد، پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می‌دادند و) به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند، مگر اینکه از پیش به او می‌گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آن‌ها از آن دو فرشته، مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ‌گاه نمی‌توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آن‌ها قسمت‌هایی را فراموش می‌گرفتند که به آنان زیان می‌رسانید و نفعی نمی‌داد و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بود، آنچه خود را به آن فروختند، اگر می‌دانستند!!

به این گزارش توجه کنید: «سال ۱۹۶۰ را می‌توان آغاز دوره تجدید حیات شیطان پرستان در آمریکا دانست. ظهور این پدیده مدیون حمایت‌های بی‌دریغ سرمایه‌داران یهودی و فراماسون‌ها بود. جادوگری و شیطان پرستی را در اوایل قرن ۱۹ میلادی بعضی از سرمایه‌داران و اشراف‌زادگان انگلستان که عضو گروه‌های



شیطان پرست، عرفان‌های کاذب، فراماسون و صهیونیست، گسترش فحشا و تخدیر انسان‌ها است. چیزی که از برنامه‌های اصلی شیطان است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ (مائدة/۹۰ و ۹۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و اِزلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید! شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟!

ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید، بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.»

این پنهان‌کاری در منافقان نیز مشاهده می‌شود:

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ (بقره/۱۴)؛ و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند و می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم!»، (ولی) هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما ایم! ما فقط (آن‌ها را) مسخره می‌کنیم!» به راستی قرآن کریم رفتار پنهان‌کارانه و کتمان حقیقت صهیونیست‌ها را افشا کرده است. همان‌گونه که در آیات پیشین آمد، علاقه این فرقه به سحر و جادوگری و شعبده و چشم‌بندی نیز از نگاه حقیقت‌بار قرآن دور نمانده است. همچنین قرآن از گروهی یاد می‌کند که خواستار گسترش فحشا هستند: إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نور/۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!

جالب این که نقطه اشتراک گروه‌های

می‌دارید و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدران‌تان، از آن باخبر نبودید!» بگو: «خدا!» سپس آن‌ها را در گفت‌وگوهای لجاجت‌آمیزشان رها کن، تا بازی کنند!

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره/۷۶)؛ و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده) می‌گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!»

جالب این که نقطه اشتراک گروه‌های شیطان پرست، عرفان‌های کاذب، فراماسون و صهیونیست، گسترش فحشا و تخدیر انسان‌ها است. چیزی که از برنامه‌های اصلی شیطان است.

هَأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تَوَمَّنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِهِ وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا لِلَّهِ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۱۹)؛ شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید، اما آن‌ها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را